

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش بیست و ششم

۱۴ اپریل ۲۰۱۴

### ۳- تشکیل جبهه رهانبخش ملی. پیدایش قدرت توده‌نی و گسترش مبارزه مسلحانه

کنفرانس مشورتی و کنفرانس فوق العاده به کار کمونیست‌ها در میان توده‌های وسیع به منظور توضیح مشی حزب، افشاء تاکتیک جدید دشمن و تجهیز خلق در مبارزه، اعتلای تازه‌ای دادند.

نخستین شوراهای رهائی ملی به ابتکار حزب و تحت رهبری وی در بسیاری از دهات بر پا گردید. دسته‌های پارتیزانی که قبلاً در شهرها تشکیل شده بود در چندین منطقه نیز تشکیل شد. میهن پرستان ضد فاشیست غیر حزبی در صفوف این دسته‌های پارتیزانی در کنار کمونیست‌ها می‌رمیدند. واحد‌های پارتیزانی رو به تشکیل شدن نهادند، در جولای همین سال دسته‌های پارتیزانی در پزا، کورولش، گورا، اسکرپار، موکرا، اشکودرا، دؤل، دیبرا و مات عمل می‌کردند. آنها برای نخستین بار منطقه‌هایی از کشور را از مقامات لشکری و کشوری اشغالگران فاشیست و از خائنان آزاد ساختند. بنابر دستور کمیته مرکزی، روز ۲۴ جولای خطوط تیلیفون و تیلگراف در سراسر البانی قطع شد و منهدم گردید. هر روز عملیات مسلحانه‌ای علیه حمل و نقل نظامی به عمل می‌آمد، پست‌های سربازان و پولیس‌های فاشیست مورد حمله قرار می‌گرفت، انبارهای مهمات تخریب می‌شد، ادارات فاشیستی و ساختمان‌های دشمن دستخوش حریق می‌گردید، و غیره. در عین حال که این عملیات انجام می‌گرفت، پیوسته تظاهرات، اعتصابات و خرابکاری سازمان داده می‌شد.

این عملیات متوالی در صفوف دشمن سراسیمگی افکند و مقامات اشغالی و دشمن یاران را پریشان ساخت. اعلامیه‌ها و گزارش‌های فراوانی از ارگان‌های لشکری و کشوری در باره «وضع نگرانی آور در البانی»، «وضع بن بست»، «نفوذ افکار کمونیستی در روحیه مردم» به روم و تیرانا می‌رسید. دشمن میهن پرستان جدیدی را دستگیر و زندانی گردانید، خانواده‌های پارتیزان‌ها و اشخاصی را که مخفی شده بودند، به تبعید فرستاد، دستورهای تازه‌ای مبنی بر مجازات اعدام برای کلیه کسانی که به فعالیت‌های ضد فاشیستی بپردازد، صادر کرد. باز هم کمونیست‌های دیگری در

برخورد مسلحانه با دشمن، در زندان ها، در زیر شکنجه، در برابر جوخه اعدام و یا در پای چوبه دار با ابراز نهایت قهرمانی شهید شدند.

عملیاتی که پشت سر هم علیه اشغالگران و خاننان به عمل می آمد به خلق کمک کرد که مشی سیاسی حزب را روز به روز بهتر درک کند و به یاری و پشتیبانی او بیاید.

### زری ای پوپولیت

«زری ای پوپولیت» (صدای مردم)، ارگان حزب کمونیست البانی، که نخستین شماره اش در ۲۵ اگست ۱۹۴۲ انتشار یافت سلاح نیرومند سیاسی در دست کمونیست ها بود. این روزنامه که بنابر تصمیم کمیته مرکزی موقت تأسیس گردید به وسیله انور خوجه رهبری می شد.

ارگان حزب کمونیست البانی در سرمقاله نخستین شماره اش هدف خویش را چنین تعیین می کرد: «گرد آوردن قاطبه خلق البانی به دور این ارگان، جمع کردن کلیه افراد شرافتمند و ضد فاشیستی که در کشور یافت می شوند، بدون توجه به اختلافات مذهبی، گروهی و جریانات سیاسی... به خاطر البانی مستقل، آزاد و دموکراتیک»<sup>۱</sup> «زری ای پوپولیت» مشی سیاسی حزب، مبارزه ضد فاشیستی خلق البانی و سایر خلق ها را ترویج می کرد، راهی را که برای نیل به رهائی ملی می بایست پیمود توضیح می داد و از سیاست و فعالیت اشغالگران فاشیست و خاننان البانی پرده بر می گرفت. «زری ای پوپولیت» مقالات و اعلامیه های حزب، تفسیر هائی در باره وضع داخلی و بین المللی، اخبار حوادث مهم و مکاتبات مناطق مختلف کشور را درج می کرد.

انتشار «زری ای پوپولیت»، با استقبال شایان توده های خلق روبه رو شد. «زری ای پوپولیت» این زبان حزب، به وسیله اعضای حزب، کمونیست های جوان و مبارزان میهن پرست غیر حزبی در سراسر کشور پخش می گردید. «زری ای پوپولیت» با علاقه تمام خوانده می شد و به زودی به صورت گرامی ترین روزنامه خلق البانی در آمد.

### کنفرانس پزا

کاری که حزب در نخستین ماه های موجودیت خود در زمینه روشنگری و تجهیز و سازمان دادن توده ها در مبارزه به ضد اشغالگران به انجام رسانید به وی امکان داد که مبانی وحدت پیکار جویانه خلق البانی را طرح کند. کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی برای آن که مبانی مذکور را استوار گرداند و وحدت خلق در مقیاس ملی بر پایه های محکم سیاسی و سازمانی تکیه کند کنفرانس رهائی ملی البانی را سازمان داد و دعوت کرد.

کنفرانس در ۱۶ سپتمبر ۱۹۴۲ در پزا تشکیل شد. علاوه بر کمونیست ها، ناسیونالیست هائی از جریانات مختلف در آن شرکت داشتند. بعضی از آنها خیلی به حزب کمونیست نزدیک بودند و مشی سیاسی او را پذیرفته فعالانه علیه اشغالگران می رزمیدند. بعضی دیگر اگرچه از رهائی کشور و وحدت خلق در مبارزه با اسارتگران خارجی سخن می گفتند دست به کار نزده بودند و در حالت نظارگی به سر می بردند. هواداران زوغو و نماینده مهم آنها عباس کوئی از آن جمله بودند.

حزب کمونیست از دسته ای دیگر از ناسیونالیست ها و از آن جمله از مدحت فراشری که هنوز آشکارا موضع نگرفته بودند نیز دعوت کرد ولی آنها دعوت را نپذیرفتند و در صدد بایکوت کردن کنفرانس بر آمدند.

کنفرانس رهائی ملی در باره مسأله وحدت و سازماندهی خلق البانی در مبارزه با اشغالگران فاشیست بحث کرد. شرکت کنندگان و از آن جمله تقریباً تمام ناسیونالیست ها فعالیت پرتوان و نقش مهم سازماندهی حزب کمونیست را در مبارزه

<sup>۱</sup> - «زری ای پوپولیت» شماره ۱، اوت ۱۹۴۲

رهائیبخش ملی خاطر نشان ساختند. این نکته نمایان شد که فاشیست های ایتالیایی و مصطفی کروژا نتوانسته اند ناسیونالیست های میهن پرست را از حزب کمونیست جدا کنند، کمونیست ها محبت و اعتماد خلق را به دست آورده اند و تبلیغات دشمن «در باره خطر کمونیسم» افشاء شده است و «دیگر کمونیسم در البانی در نظر بخش شرافتمند خلق ما، در نظر دهقان، در نظر مالک متوسط، در نظر روشنفکر «لولو» نیست، کمونیست ها آن طور که فاشیسم می خواهد آنها را نشان بدهد «بی وطن» نیستند»<sup>۲</sup>

عباس کوئی و چند ناسیونالیست دیگر جرأت نکردند علیه نقش رهبری که حزب کمونیست البانی به تدریج در مبارزه به دست می آورد آشکارا به مخالفت برخیزند. آنان در صدد بر آمدند با مخالفت نسبت به برخی از تظاهرات خارجی که نشانی از حزب داشت مانند نام «پارتیزان» که به دسته های رزمنده داده شده بود و ستاره سرخ که جنگجویان به عنوان علامت بر کلاه خویش نصب می کردند از افزایش اعتبار حزب جلوگیری نمایند. نمایندگان حزب کمونیست توانستند با توجیه صبورانه مواضع خویش بر این خُرده گیری ها و بر بعضی از نظریاتی که به مخالفت با شرکت وسیع جوانان در مبارزه و علیه مضمون برخی از قسمت های قطعنامه ابراز می شد، غلبه کنند.

کنفرانس یک شورای عمومی رهائی ملی (موقت) برگزید و پلاتفرم مبارزه رهائیبخش ملی را به آن صورت که حزب کمونیست تنظیم کرده بود به تصویب رسانید. مواد اساسی پلاتفرم مذکور چنین بود:

باید به خاطر البانی آزاد، مستقل و دموکراتیک به نبردی بی امان به ضد اشغالگران فاشیست و خائنان دست زد. نباید هرگز از یاد برد که پایه های حقیقی وحدت خلق البانی فقط در مبارزه به ضد اشغالگران ریخته شده است و فقط در این مبارزه تحکیم خواهد شد.

باید کلیه البانی های واقعی را صرفنظر از تعلق طبقاتی، عقاید سیاسی، معتقدات مذهبی و زادگاه آنها در جبهه مشترک رهائیبخش ملی به شیوه ای استوار سازمان داد.

باید در همه جا شورا های رهائی عمومی را به مثابه ارگان های توحید و تجهیز خلق در مبارزه و به مثابه ارگان های قدرت توده ئی برپای کرد.

باید فکر قیام مسلح همگانی خلق را به عنوان مرحله آخر، به عنوان نتیجه منطقی مبارزه پارتیزانی ترویج کرد و این قیام را تدارک دید.

باید علیه بانک کشاورزی، شرکت های سهامی ایتالیایی و کلیه استثمارگرانی که به کمک اشغالگران سود های کلانی به زبان خلق به دست می آورند به مبارزه ای متشکل دست زد.

کنفرانس پزا جبهه رهائیبخش ملی و قدرت توده ئی را پی ریزی کرد. کنفرانس نقش رهبری حزب کمونیست البانی را در مبارزه رهائیبخش ملی خاطر نشان ساخت و به این طریق نخستین پیروزی بزرگ سیاسی حزب را تثبیت کرد.

کنفرانس پزا کنفرانس احزاب سیاسی نبود. فقط حزب کمونیست که سازمان دهنده کنفرانس نیز بود به مثابه حزب سیاسی در آن شرکت می جست، حزب سیاسی ضد فاشیستی دیگری وجود نداشت.

پس جبهه رهائیبخش ملی به منزله ائتلاف احزاب سیاسی به وجود نیامد. کنفرانس پزا وحدت داوطلبانه توده های وسیع خلق را که پایه هایش در پائین در مبارزه به ضد اشغالگران ریخته شده بود، تسهیل کرد. سازنده این وحدت و رهبر مستقیم و یگانه جبهه، حزب کمونیست بود. اساس جبهه عبارت بود از اتحاد طبقه کارگر با دهقانان، اتحادی که وسیعترین پایه را برای جبهه به وجود می آورد ناسیونالیست های میهن پرست چون عاجل ترین خواست های ملی خود را در برنامه حزب یافتند و منفرداً و یا به صورت جریاناتی به جبهه پیوستند.

ادامه دارد...

<sup>۲</sup>- قطعنامه کنفرانس پزا، ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۲، اسناد ارگان های عالی قدرت انقلابی رهائیبخش ملی، تیرانا ۱۹۶۲، صفحه ۱۲